

پروناهی خطرناک دونالد ترامپ

ارزیابی ۲۷ روان پریشی متخصص سلامت روان
درباره‌ی پست رئیس‌جمهور

گردآوری و تدوین: بندی ایکس. ای

ترجمه فاطمه نوروزی

عنوان و نام پدیدآور : پرونده‌ی خطرناک دونالد ترامپ: ارزیابی ۲۷ روان‌پزشک و متخصص سلامت روان درباره‌ی یک رئیس‌جمهور / گردآوری و تدوین: بندی ایکس. لی؛ ترجمه‌ی فاطمه نوروزی.

تهران: نقش و نگار، ۱۳۹۷.
مشخصات نشر : ۴۵۰ ص.
شابک : ۹۷۸۶۰۰۸۵۸۴۱۶۲

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت : عنوان اصلی: The dangerous case of Donald Trump: 27 psychiatrists and mental health experts assess a president

۲۰۱۷, experts assess a president

عنوان دیگر : ارزیابی ۲۷ روان‌پزشک و متخصص سلامت روانی درباره‌ی یک رئیس‌جمهور.

موضوع : ترامپ، دونالد، ۱۹۴۶ - م. -- بهداشت روانی

موضوع : Trump, Donald -- Mental health:

موضوع : ترامپ، دونالد، ۱۹۴۶ - م. -- روانشناسی

موضوع : Trump, Donald -- Psycholog:

موضوع : استبداد -- جنبه‌های روان‌شناسی -- نمونه‌پژوهی

موضوع : Despotism -- Psychological aspects -- Case studies:

موضوع : رؤسای دولت -- بهداشت روانی -- نمونه‌پژوهی

موضوع : Heads of state -- Mental health -- Case studie:

موضوع : مدیریت دولتی -- تصمیم‌گیری -- جنبه‌های روان‌شناسی -- نمونه‌پژوهی

موضوع : Public administration -- Decision making -- Psychological aspects -- Case studies:

موضوع : رهبری سیاسی -- جنبه‌های روانشناسی -- نمونه‌پژوهی

موضوع : Political leadership -- Psychological aspects -- Case studies:

موضوع : رؤسای جمهور -- ایالات متحده -- روان‌شناسی -- نمونه‌پژوهی

موضوع : Presidents -- United States -- Psychology -- Case studies:

موضوع : ایالات متحده -- سیاست و حکومت -- جنبه‌های اخلاقی -- ۲۰۱۷ - م.

موضوع : Moral and ethical aspects -- United States -- Politics and government:

لی، بندی ایکس، ۱۹۷۰ - م. گردآوری و تدوین

Lee, Bandy X:

نام افزوده : مترجم

نوروزی، فاطمه، ۱۳۵۵ - م. مترجم

۳/۴۹۱۱ ت/۱۳۹۷۴ پ ۴

۹۷۳/۹۳۰۹

۱۶۶۶۴۱۵



اشارات نقش و نگار

تهران - انقلاب ۱۲ فروردین، شهرداری ژاندارمری، شماره ۱۱۸

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۹۶۲۴۹

پرونده‌ی خط ۵ - دونالد ترامپ

ارزیابی ۲۷ روان‌پزشک و متخصص سلامت روان درباره‌ی یک رئیس‌جمهور

گردآوری و تدوین: بندی ایکس. لی

مترجم: فاطمه نوروزی

ویراستار: امین درستی

صفحه‌آرا: نقش و نگار

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

نویت چاپ: اول، ۱۳۹۷

شابک: ۹۷۸۶۰۰۸۵۸۴۱۶۲

همه‌ی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر، تولید، بازنویسی، انتشار و اقتباس تمام یا قسمتی از این اثر به هر شیوه از جمله فتوکپی، صوتی، تصویری، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و پخش منوط به اجازه‌ی کتبی و قبلی از ناشر است.

عنوان‌ها

- در باره: سردآورنده..... ۱۱
- درآمد: گواه مایر، شجاری، خیم (دکتر رابرث جی. لیفتون)..... ۱۳
- پیشگفتار: حرفه و سیاست (دکتر هورت لوئیس هرمان و دکتر بتدی ایکس. لی، لیسانس الهیات)..... ۱۸
- مقدمه: وظیفه ما هشدار دادن است (دکتر جی. ایکس. لی)..... ۳۱

بخش اول

پدیده‌ی ترامپ

- لذت جویی حال افراطی و افسارگسیخته: چگونه در جهان آزاد بارها ثابت کرده که به در سیاست جمهوری نمیخورد (فیلیپ زیعبارد و رزمیری اسورد)..... ۴۷
- خودشیفتگی بیمارگون و سیاست: یک ترکیب خطرناک (دکتر کریستینا)..... ۷۹
- من کتاب هنر معامله را با همراه دونالد ترامپ نوشتم: خود ویرانگری، درد، بهانه‌اش ریشه دارد (تونی شولتز)..... ۱۰۳
- اعتماد پایین ترامپ مسئله اصلی است (دکتر گیل شیبی)..... ۱۰۷
- جامعه ستیزی (دکتر لئوس دادز)..... ۱۰۹
- دونالد ترامپ (الف) بد است، (ب) دیوانه است، (ث) تمام موارد بالاست (دکتر جان دی. گارتنر)..... ۱۳۱
- چرا «احمق مثل یک روباه» در مقایسه با «احمق مثل یک آدم» واقعا مهم است (دکتر مایکل جی. تنسی)..... ۱۵۱
- اختلال شناختی، زوال عقل و رئیس جمهور ایالات متحده‌ی آمریکا (دکتر دیوید ام ریس)..... ۱۷۱

دونالد جی. ترامپ متهم به عدم صلاحیت: عدم صلاحیت روانی، مجمع انتخاباتی و
 متمم بیست و پنجم (جیمز ای. هرب)..... ۱۸۳

بخش ۲

دوراهی ترامپ

آیا پزشکان باید از اظهار نظر درباره‌ی وضعیت روانی ترامپ خودداری کنند؟ (دکتر
 لئونال. گلای)..... ۱۹۷

درباره‌ی دیدن آن چه می‌بینید و گفتن از آن چه می‌دانید: مسئولیت روان‌پزشک (دکتر مری جی
 فرایدمن)..... ۲۰۷

مسئله‌ی سرسختی است، نه بیماری روانی (دکتر جیمز گیلیان)..... ۲۱۷

تأثیر ترامپ بر بالینی برای خطر دونالد جی. ترامپ (دکتر دین بونک)..... ۲۳۱

سردستی، خطر و تأیقه‌ی محافظت از جامعه (دکتر موارداچ کوویر)..... ۲۵۳

فرصت‌ها، تهدیدها، روان‌رمانی در دوره‌ی ترامپ (دکتر ویلیام جی. دوهرنی)..... ۲۶۷

بخش ۳

تأثیر ترامپ

ترو، حقیقت و ترامپ: چگونه یک رئیس‌جمهور درمان را متوقف می‌کند و بحران را
 گسترش می‌دهد (بشیر تنگ، مددکار اجتماعی، کارشناس ارشد رهبری)..... ۲۷۹

اختلال اضطراب ترامپ: تأثیر ترامپ بر سلامت روانی از مردم و گروه‌های
 خاص (جنیفر کوئینزینیک، پزشک روان‌شناس)..... ۲۹۷

در ارتباط با یک رئیس‌جمهور آزاددهنده (هارپر وست، کارشناس ارشد روان)..... ۳۰۷

موضوع محل تولد او یا ما و استقرار طرز تفکر ترامپی (دکتر لویا کسلر)..... ۳۲۹

موضوع پدر ترامپ: یک پیوند سمی برای آمریکا (دکتر استیو ویل)..... ۳۳۷

ترامپ و روان جمعی آمریکایی (دکتر توماس سینگر)..... ۳۵۱

چه کسی ترامپ می‌شود؟ استبداد به مثابه پیروزی خوشیفتگی (الیزابت میکا، کارشناس ارشد
 مشاور بالینی)..... ۳۷۱

انزوای تصمیمات سرنوشت ساز: آسیب پذیری اجتماعی و روانی (دکتر ادوین بی. فیشر) ۳۹۵
او دنیا را در دستانش گرفته و انگشتانش را بر ماشه گذاشته است: راه حل متمم
بیست و پنجم (دکتر نیت گارنل و دکتر دی موسباخر) ۴۲۳

پی گفتار: ست یافتن به آن سوی تخصص (دکتر نوام چامسکی و دکتر بندلی ایکس-لی) ۴۴۱
یادداشت ها ۴۴۷

www.ketab.ir

درآمد

گواه ما بر بهنجاری بدخیم^۱

دکتر رابرت جی. لیفتون^۲

وضعیت ما متخصصان روان‌شناسی آمریکا می‌تواند تنها در دو ایده خلاصه شود - می‌توانیم این دو ایده را موضوع یا حتی مفهوم بنامیم: اول، آن‌چه من به آن بهنجاری بدخیم می‌گویم که واقعاً اجزای اجتماعی که به عنوان امر به‌هنجار، همگانی و تغییرناپذیر به ما عرضه شده است و به نظر دارد؛ و دوم، درک حیاتی و بالقوه‌ی ما از خودمان به عنوان متخصصان شه‌ها^۳.

درباره‌ی بهنجاری بدخیم، با این فرض آغاز می‌کنیم که همه‌ی جوامع، با سطوح متنوع آگاهی، روش‌های دیدن، تفکر و رفتاری را عرضه می‌کنند که مطلوب یا «به‌هنجار» به حساب می‌آید. با این حال، این ملاک‌ها با بهنجار بودن می‌تواند بسیار تحت تأثیر روند نظامی و سیاسی دوره‌ی به‌خصوص قرار بگیرد. ممکن است چنین شرایطی کاملاً خوش‌خیم باشد، اما در عین حال می‌تواند به طرز فلاکت‌باری مخرب هم باشد.

من در مطالعاتم درباره‌ی پزشکان نازی به ایده‌ی بهنجاری بدخیم رسیدم. وقتی پزشکانی که در آشویتس گماشته شدند مسئولیت گزینش قربانی‌ها و تمام

1. Malignant Normality

2. Robert Jay Lifton, M.D

3. Witnessing professionals

روند کشتار را پذیرفتند، خیلی ساده هر کاری که از آن‌ها خواسته می‌شد، انجام می‌دادند. درست است که وقتی این وظیفه به آن‌ها محول شد بعضی ناراحت و حتی ترسیده بودند، اما با کمی مشاوره - می‌توان نام روان‌درمانی خبیث بر آن نهاد - که آدم‌هایی مجرب‌تر پیشنهاد کردند، بیشتر این پزشکان برای انجام مأموریت وحشیانه‌شان به حد کفایت بر اضطراب خود غلبه کردند. مشاوره‌ها به این صورت بود که با هم مشروب زیادی بنوشند و به آن‌ها وعده‌ی کمک و حمایت داده شود. این فرایند سازگاری با شرایط^۱ بود که امکان تکرارش در موقعیت مشابه وجود دارد. از همه مهم‌تر، به‌هنجارسازی شرایط^۲ بود که این سازگاری را افزایش می‌داد. به درد این می‌خورد که آسایشگاه آشوب‌ساز را به‌عنوان تنها دنیای موجودی که هرکس باید خود را با آن سازگار کند، به پزشکان شرکت‌کننده ارائه کنند.

در دگرزی از به‌هنجاری بدخیم وجود دارد که جدید و وطنی است. منظر همکاران پزشکان (شامل روان‌پزشکان)، روان‌شناسان و دیگر افراد کادر روان‌شناسی و پزشکی در شکنجه است. وقتی فاش شد که دو روان‌شناس در میان بنیان‌گذاران به‌عمل‌کننده سازمان سیا حضور داشته‌اند، این موضوع به اوج نمایش خودرسانایی^۳ آنان، انجمن روان‌شناسی آمریکا از این به‌هنجاری بدخیم حمایت کرد و در همکاری روان‌شناسان در تکنیک‌های به‌اصطلاح «بازجویی پیشرفته»^۴ که به شکنجه معروف می‌شد، دفاع کرد.

من این رفتار آمریکایی را با نمونه‌ی انزاسی^۵ آن را بر نمی‌دانم، اما ترجیح می‌دهم بگویم که به‌هنجاری بدخیم می‌تواند شکل‌های بسیاری به خود گیرد و هیچ چیز به اندازه‌ی حمایت اجتماع بزرگی از متخصصان، به‌هنجاری بدخیم را تثبیت نمی‌کند. نوع دیگری از به‌هنجاری بدخیم نیز وجود دارد که در زندان ترامپ و دولت او پدید آورده‌اند. در نامه‌ای به نیویورک تایمز به تاریخ مارس ۲۰۱۷، من و جویدیت هرمان^۶ بر الگوهای روان‌شناسی فردی خطرناک ترامپ تأکید کردیم:

1. Adaptation to evil
2. Normalization of evil
3. Enhanced interrogation
4. Judith Herman

خلق واقعیت مخصوص به خودش و عدم توانایی او در مدیریت بحران‌های اجتناب‌ناپذیری که رئیس‌جمهوری آمریکا با آن‌ها مواجه خواهد شد. او همچنین به اشکال مختلفی نیازهای بنیادین آمریکا را نادیده می‌گیرد و امکان موفقیت دموکراسی آمریکایی را تهدید می‌کند. با این حال، چون او رئیس‌جمهور است و در حیطه‌ی گسترده‌ی کنش و واکنش ریاست‌جمهوری فعالیت دارد، بعضی تمایل دارند هر کاری او انجام می‌دهد را بخشی از روند دموکراتیک بدانند - به عبارت دیگر، اگرهای ترامپ از نظر سیاسی و حتی اخلاقی به‌هنگار است. به این ترتیب، یک روزن‌جمهور خطرناک، به‌هنگار می‌شود و به‌هنگاری بدخیم، پویایی حکومت (یا نوان) ضد حکومت ما را زیر سلطه‌ی خود درمی‌آورد.

اما این بدان معنا نیست که ما ناتوان هستیم. ما جامعه‌ای هستیم با آزادی قابل توجه، با انجمن‌هایی که هنوز هم مترانند زندگی را بهتر سازند و به حقیقت خدمت کنند. برخلاف پرسخان‌ری، متخصصان روان‌شناسی در کشور ما می‌توانستند رفتار همکاران فاسد و حتی یک مرکز حرفه‌ای فاسد را افشا کنند و این کار را نیز کردند. روزنامه‌نگاران، سن و گره‌های حقوق بشری هم در این افشاگری سهم بزرگی داشتند.

ما به‌عنوان متخصصان روان‌شناسی، قادر به فعالیت‌سازی در مواجهه با به‌هنگاری بدخیم ترامپ و دولتش هستیم. برای این کار، ما احساس خشم خود را با کاربست منظم دانش و تجربه‌ی حرفه‌ای مان ترکیب می‌کنیم.

این، مرا به دومین موضوع می‌رساند: متخصصان شاهد، به‌عنوان متخصصان شاهد فعال در سیاست. بیشتر متخصصان، اغلب اوقات در قالب‌هنگاری (یعنی ملاک و معیار به‌هنگاری) در جامعه‌ی خودشان کار می‌کنند. البته، متخصصان معمولاً از این نیز پیش‌تر می‌روند و ممکن است در حرفه‌ی خود، تعهد افرادی که با آن‌ها کار می‌کنند را نسبت به به‌هنگارها تشدید کنند. این موضوع مایه‌ی تسکین خاطر است، اما خطرهای خودش را هم دارد.

عموم مردم نمی‌دانند که در اوایل جنگ سرد یک کمیته‌ی ویژه‌ی دولتی شامل پزشکان و دانشمندان علوم اجتماعی، به ریاست یک روان‌پزشک بنیاد نهاده شد تا

به آمریکایی‌ها کمک کند ظرفیت روانی مطلوبی برای حمایت از ذخایر سلاح‌های هسته‌ای آمریکا به دست بیاورند؛ با یک حمله‌ی هسته‌ای پیش‌بینی‌شده کنار بیایند؛ و بر ترس از نابودی بر اثر بمب هسته‌ای غلبه کنند. به‌طور خلاصه، کمیت و وظیفه داشت که به مردم آمریکا کمک کند تا به‌هنجاری بدخیم سلاح هسته‌ای را بپذیرند. اخیراً نیز چند متخصص به روش مشابهی آشکال خطرناک به‌هنجاری را برای انکار تغییرات آب‌وهوایی، حمایت و ترغیب کرده‌اند.

با این همه، متخصصان مجبور نیستند به این شکل با به‌هنجاری‌های بدخیم برخورد کنند. ما می‌توانیم با استفاده از دانش و مهارت تکنیکی خود، نیز به‌هنجارسازی‌هایی را افشا کنیم، بر وخامت موضوع گواهی دهیم و به حصصان شاهد تبدیل شویم.

روانی که در سال ۱۹۶۲ درباره‌ی بازماندگان هیروشیما تحقیق می‌کردم، می‌دانم با همی‌ترین و صحیح‌ترین روشی که می‌توانستم، تجربه‌ی فیزیکی و روانی افرادی که در معرض بمب اتمی بودند آشکار کنم. با این حال، من فقط یک مشاهده به‌صرف بودم. در خلال زمان، خودم را یک متخصص شاهد دیدم که متعهد است کار را به‌دانه بمب اتمی با یک شهر می‌کند آشکار کند و آن‌چه در هیروشیما و برای مرعش اتفاق افتاد را برای دنیا بازگو کند. داستان هیروشیما در یک جمله خلاصه شد: «یک هواپیمای یک بمب، یک شهر.» تعهد به گفتن داستان هیروشیما یک تحقیق جانبدارانه به نظر نمی‌رسید؛ یعنی ترکیبی از یک روش تخصصی نظام‌مند و نیاز اخلاقی شدت‌دانش؛ ترکیب دانش و کنش‌گری. من ایمان دارم چنین روشی همان چیزی است که من در دوره‌ی ترامپ به آن نیاز داریم. لازم است از پذیرش غیرانتقادی این نوع به‌هنجاری بدخیم پرهیز کنیم و به جای آن، دانش و تجربه‌ی خود را برای افشای آن به کار ببریم. برای رسیدن به این هدف لازم است درباره‌ی باور به دانسته‌های مان منضبط باشیم و در عین حال، از طرح چیزی که نمی‌دانیم خودداری کنیم. همچنین لازم است که وخامت این اوضاع را تشخیص بدهیم؛ اوضاعی که در آن قدرتمندترین فرد جهان، نامتعادل و دروغگو است. ما متخصصان روان‌شناسی، با شور اخلاقی، خطری را آشکار

می‌کنیم که ممکن است در رویارویی با بهنجاری بدخیمی که ما را احاطه کرده، تأیید زندگی باشد.

در نهایت، موضوع رفتار اخلاقی ما هم در میان است. درباره‌ی اخلاق حرفه‌ای ناشی از مسئولیت در قبال بیماران و استانداردهای کلی رشته‌ی تحصیلی مان زیاد صحبت کرده‌ایم. این صحبت‌ها بیشتر به محتوای اخلاق حرفه‌ای مربوط می‌شوند. اما منظر من چیز دیگری است، مفهومی فراتر از اخلاق حرفه‌ای که اغلب درباره‌ی آن صحبت نمی‌کنیم، از جمله این که برای چه کسی و با چه کسی کار می‌کنیم. این که چگونه کار ما دستورالعمل‌های یک اجتماع بزرگ‌تر را تأیید می‌کند یا آن را رد می‌کند؛ و در وضعیت کنونی، این که چگونه با بهنجاری بدخیمی در مقابل ماست برخورد می‌کنیم. این مدل اخلاقی فراگیرتر شامل افرادی را مشخص می‌کند که دیگر می‌شود که ممکن است آن‌ها هم وظیفه‌ی هشدار دادن خودش را داشته باشند.

من به هیچ وجه دانش حرفه‌ای و مهارت تخصصی را کم‌اهمیت جلوه نمی‌دهم، اما شغل ما می‌تواند بیش از حد فنی شود. ما می‌توانیم کمتر شبیه مزدوری باشیم که قدرتش را از هر کفیلی که دارای فاحش‌ترین دستگاه‌های بهنجارسازی است، به دست می‌آورد.

می‌توانیم بهتر از این عمل کنیم. می‌توانیم دیدگاه‌های داندنظرانه‌تر متخصصان شاهد کنش‌گر را برگزینیم. بندی لی^۱ وقتی آسمان را بیابا^۲ را درباره‌ی مسئولیت حرفه‌ای (۱) سازمان‌دهی می‌کرد، چنین دیدگاهی را برپا کرد. شرکت‌کنندگان این دیدگاه را تأیید کردند. این دیدگاه، ما را به ناچیان جامعه تهدیدشده تبدیل نمی‌کند، اما به ما کمک می‌کند که تجربه و دانش خود را در رابطه با آن چه ما را تهدید می‌کند و آن چه احتمالاً ما را احیا می‌کند، به کار گیریم. جمله‌ای از تئودور روثکی^۳، شاعر آمریکایی، به آن چه تلاش می‌کنم بگویم

1. Bandy Lee

2. Yale

3. Theodore Roethke

فصاحت می‌بخشد: «چشم‌ها در دوران تاریکی آغاز به دیدن می‌کنند.»

دکتر رابرت جی. لیفتون مدرس روان‌پزشکی در دانشگاه کلمبیا و استاد برجسته‌ی کالج جان جی و مرکز آموزش عالی دانشگاه نیویورک است. او، به‌عنوان متخصص تاریخ ذهن، به‌خاطر مطالعاتش درباره‌ی پزشکانی که به جنایات جنگی نازی کمک کرده‌اند و همچنین به‌خاطر کارش با نجات‌یافتگان حمله‌ی اتمی هیروشیما شناخته شده است. لیفتون منتقد صریح کمکِ انجمن روان‌شناسی آمریکا به شکنجه‌ی مورد تأیید دولت و همچنین مخالف صریح سلاح‌های شیمیایی بوده است. پژوهش‌های او بررسی علل و اثرات روان‌شناختی جنگ و خشونت سیاسی و تریه‌ی اصلاح اندیشه را در بر می‌گیرد.